



۲۰۲۶/۰۹/۰۶

نویسنده : اندریو کریبکو
مترجم: سید حسام مل

تفسیر دعوت طالبان برای سرمایه‌گذاری‌های آمریکایی

منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ ۲۰۲۶/۰۹/۴

مسلاً این یک اقدام پیشگیرانه برای کاهش تنش بود که نیت ایالات متحده را نیز ارزیابی می‌کرد. نیویورک تایمز (NYT) در بخشی از پروگرام خبری پنجمین سالگرد بازگشت طالبان به قدرت، با امیرخان متقی، وزیر امور خارجه افغانستان، در کابل مصاحبه کرد. متقی از ایالات متحده دعوت کرد تا سفارت خود را بازگشایی کند و در معادن، بندهای آبگردان و برق و جاده‌های کشورش سرمایه‌گذاری کند. او همچنین اعلام کرد که «ما فصل جنگ را پایان یافته می‌دانیم و از این پس، خواهان روابطی مبتنی بر احترام متقابل و فصل جدیدی از تعامل مثبت هستیم.» این سیاست جدید نیاز به تفسیر دارد.

به هر حال، ترامپ بارها خواستار بازگشت نیروهای آمریکایی به پایگاه هوایی بگرام شده است و ایالات متحده در طول یک سال و نیم گذشته از دوره دوم ریاست جمهوری او، به دشمن جدید طالبان، پاکستان، روی آورده است که نیویورک تایمز هر دو مورد را به عنوان موانع احتمالی ذکر کرده است. طالبان همچنین از بازگرداندن سلاح‌ها و تجهیزات آمریکایی که در افغانستان باقی مانده بود، خودداری می‌کند و در عین حال انکار می‌کند که یک زندانی با تابعیت دوگانه افغان - آمریکایی را در اختیار دارد. بنابراین، وزارت امور خارجه به طور قابل پیش بینی به نیویورک تایمز گفت که روابط دوجانبه عادی نخواهد شد. دو نفر از کارشناسانی که نیویورک تایمز با آنها مصاحبه کرد، به سیاست خارجی محور ترامپ در درودوم زمامداری اش اشاره کردند، بنابراین ممکن است برخی تعجب کنند که چرا وزارت امور خارجه عادی سازی روابط دوجانبه را به عنوان یک معامله برای دسترسی احتمالاً ممتاز به ثروت مواد معدنی کمیاب افغانستان رد کرد. این نشان می‌دهد که در حال حاضر جیواستراتژی، نه جیواکونومیک، سیاست ترامپ در درودوم زمامداری اش در قبال افغانستان را تعیین می‌کند. با این حال، جالب اینجاست که در مورد طالبان برعکس است. در اینجا سه گزارش مقدمه آمده است:

* ۲ جولای: «بررسی آخرین گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد افغانستان»
* ۱۹ جولای: «لاوروف هشدار داد که سلاح و مهمات غربی از اوکراین برای داعش-خراسان در افغانستان ارسال می‌شود»

* ۱۶ اگست: «پنج تأمل در پنجمین سالگرد بازگشت طالبان به قدرت»
به طور خلاصه، پاکستان به عنوان بخشی از جنگ اعلام نشده خود با افغانستان، به طور منفعلانه جریان سلاح به داعش-خراسان را تسهیل می‌کند، جنگی که ایالات متحده با احتیاط آن را به عنوان وسیله ای برای فضا ربر طالبان برای پذیرش خواسته‌های خود تأیید می‌کند. اگر طالبان تضعیف یا سرنگون شوند، ممکن است هرگز قدرت سابق خود را به دست نیاورند، زیرا حا می تاریخی آنها پاکستان است که آنها را از خود رانده است و شریک نظامی-فنی جدید روسیه آنها قادر به جایگزینی حمایت چندجانبه‌ای نیست که اسلام آباد قبلاً ارائه می‌داد. نتیجه نهایی می‌تواند انقیاد مجدد افغانستان باشد، اما این بار به عنوان یک دولت وابسته به ایالات متحده و پاکستان که به عنوان سکوی پرتابی برای گسترش نفوذ نظامی و اقتصادی آنها در آسیای مرکزی عمل خواهد کرد، که با دکتترین-نو-ریگان ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری اش برای کاهش نفوذ روسیه همسو است. ترکیه در حال حاضر آماده

است تا همین کار را از غرب از طریق "مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی" در اگست ۲۰۲۵ انجام دهد، که به عنوان یک دهلیز لوژستیک نظامی نا تو نیز عمل می کند، بنا براین تأثیر ترکیبی می‌تواند عمیق باشد. با توجه به پیامدهای ستراتیژیک بزرگ در صورت انقیاد مجدد موفقیت آمیز ایالات متحده و پاکستان در افغانستان ، منطق خاصی وجود دارد که چرا ترامپ در دور دوم زمامداری اش فرصت مواد معدنی کمیاب را که طالبان به آن ارائه داده بود، رد کرد. این گروه مسلماً این کار را به عنوان یک اقدام پیشگیرانه برای کاهش تنش انجام داد که همچنین نیات ایالات متحده را که اکنون کاملاً واضح است، ارزیابی می‌کند. بنابراین، با نگاهی به آینده، انتظار می رود فشار مشترک ایالات متحده و پاکستان بر افغانستان افزایش یابد که می تواند منجر به افزایش روابط نظامی- فنی روسیه و طالبان شود.